

ترجمه جمله‌های پایه و پیرو در زبان عربی

رضا ناظمیان

چکیده:

در جمله‌های بلند و طولانی زبان مبدأ، تشخیص جمله پایه از پیرو و پیوند آنها با حرف ربط مناسب در زبان مقصد، کلید درک مفهوم جمله و ترجمه دقیق آن است. گاه رعایت نکردن توالی جمله‌ها در عبارات هایی که نیاز به مکمل دارند، برای روانی نثر، ضروری به نظر می‌رسد. زیرا نثر ترجمه باید با معیارهای زبان مقصد، تطابق و همخوانی داشته باشد. از سویی دیگر، مترجم نباید خود را به ساختارهای دستوری زبان مبدأ، محدود سازد، بلکه می‌تواند با رعایت اصولی خاص، تغییراتی در ساختار دستوری متن مبدأ به وجود آورد. یکی از این موارد، تغییر زمان جمله است. موارد تغییر زمان جمله به دو بخش ساختار و سیاق تقسیم می‌شود.

۱. از ویژگی‌های زبان عربی این است که جمله‌های مختلف، بی‌آنکه حرف ربطی آنها را به یکدیگر پیوند دهد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و معنای جمله اصلی را توسعه می‌دهند. در زبان فارسی جمله اصلی «جمله پایه» و به جمله مکمل «جمله پیرو» گفته می‌شود و مجموع جمله متشکل از پایه و پیرو، «جمله مرکب» نامیده می‌شود.

می‌توان گفت که جمله پیرو همواره یکی از اجزای جمله پایه را توصیف کرده یا حالت آن را بیان می‌کند و یا به طور کلی معنای آن را توسعه می‌بخشد. مترجم برای درک معنای متن مبدأ، باید جمله پایه را از جمله پیرو تشخیص داده و با استفاده از حروف ربط مناسب در زبان فارسی، آنها را به یکدیگر پیوند دهد. حرف «که» با توجه به معانی گسترده‌ای که دارد، غالباً برای پیوند جمله‌های پایه و پیرو در زبان فارسی، مناسب است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

(۱) کانت هناک عوامل نفسیه و سیاسیه متداخلة تجعل الوقت غير مناسب للحوار.

«عوامل روانی و سیاسی به هم پیوسته‌ای وجود داشت که باعث می‌شد زمان برای گفتگو مناسب نباشد.»

(۲) ان احداً متلاً لا یرید ان یری مجتمعه یسیر باتجاه یتحرک المجتمع الغربی نحوه الیوم.

«هیچ‌یک از ما نمی‌خواهد جامعه‌اش به همان راهی برود که اکنون جامعه غربی به آن

سو می‌رود.»

(۳) رأیت الاستاذ و هو یلقی محاضرة فی ساحة الكلية.

«استاد را دیدم که در حیاط دانشکده، سخنرانی می‌کرد.»

۲. تقدیم و تأخیر جمله‌ها:

در جمله‌های حالیه و شرطیه و جمله‌هایی که به نوعی نیاز به جواب و مکمل دارند، مانند جمله‌ای که بعد از «رغم» قرار می‌گیرد، برای ارائه ترجمه‌ای روان، می‌توان توالی جمله‌ها در زبان مبدأ را رعایت نکرد و جمله پیرو را پیش از جمله پایه آورد.

معیار این تقدیم و تأخیر، عرف اهل زبان مقصد و افزایش میزان روانی و رسایی ترجمه است. به عبارت دیگر، مترجم همواره باید به این نکته توجه داشته‌باشد که نثر ترجمه‌اش با معیارهای زبان مقصد، تطابق و همخوانی داشته‌باشد و روان و طبیعی به نظر برسد. در مثال‌های زیر، توالی جمله‌های زبان عربی در ترجمه رعایت نشده‌است:

(۴) لا أسمح لنفسی أن اعیش علی اعانة و أنا أستطیع أن اعمل.

«من که توانایی کارکردن را دارم به خود اجازه نمی‌دهم که با کمک دیگران زندگی کنم.»
(۵) الحكومة المریکية و سياساتها الخارجية هي سبب المشاكل القائمة بين الولايات المتحدة و دول العالم الثالث.

«تنها دلیل مشکلات و موانع موجود بین آمریکا و کشورهای جهان سوم، دولت آمریکا و سیاست‌های خارجی آن است.»

(۶) آن المؤسسة العسكرية سوف تُحترم اذا لم تتدخل في السياسة بشكل مباشر.
«اگر نظامیان، آشکارا در سیاست، دخالت نکنند محترم خواهند بود.»

(۷) يجيد العربية رغم أنه ما سافر الى البلاد العربية قطاً.

«بسیار آنکه هیچ‌گاه به کشورهای عربی مسافرت نکرده‌است، زبان عربی را به خوبی صحبت می‌کند.»

(۸) شعر المستثمرون الأجانب بقدر من الثقة في ادارة البلاد في الوقت الذي أصبح جهد الحكومة مركزاً على مشاريع التنمية و الانفتاح السياسي و الاقتصادي.

«در شرایطی که تلاش دولت بر طرح‌های توسعه و ایجاد فضای باز سیاسی و اقتصادی کشور متمرکز شده، سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به اداره کشور، تا حدودی احساس اطمینان می‌کنند.»

۳. تقطیع جمله‌های بلند:

در جمله‌های بلند و طولانی، تشخیص جمله پایه از پیرو و به عبارت دیگر تشخیص جمله معترضه از جمله اصلی، کلید درک مفهوم جمله و ترجمه دقیق آن به زبان مقصد است. تا زمانی که مترجم نتواند جمله‌های معترضه را از جمله اصلی تشخیص دهد و آنها را از یکدیگر تفکیک کند، توفیق ارائه ترجمه صحیح و روانی را نخواهد داشت. ساده‌ترین راه تشخیص جمله‌های معترضه این است که اگر از عبارت برداشته شوند، معنای جمله اصلی کامل است:

(۹) ان الاجتماع الذي وصفه الرئيس بأنه استطلاعي كان ناجحاً.

جمله اصلی: ان الاجتماع كان ناجحاً.

جمله معترضة: وصف الرئيس الاجتماع بأنه استطلاعي.

«نشستی که رئیس جمهور آن را به منظور نظرسنجی توصیف کرد، موفقیت‌آمیز بود.»

۱۰) عقد الرئيس اسوداني أمس الثلاثاء أوّل محادثات له مع تحالف للمعارضة أنشىء قبل ثمانى سنوات.

جمله اصلی: عقد الرئيس السودانى أمس الثلاثاء أوّل محادثات له مع تحالف للمعارضة.

جمله معترضة: أنشىء تحالف للمعارضة قبل ثمانى سنوات.

«رئيس جمهور سودان ديروز سه‌شنبه، نخستين دور مذاكرات خود را با ائتلاف مخالفان،

برگزار کرد. این ائتلاف هشت سال پيش شکل گرفته است.»

در برخی از متون به ویژه متون ادبی، جمله‌های طولانی و پیچیده از ویژگی‌های نگارشی نویسنده و مربوط به سبک اوست. در این صورت، اگر رعایت سبک نویسنده برای مترجم در درجه اول اهمیت قرار دارد، مترجم برای رعایت سبک از تقطیع جمله، اجتناب می‌ورزد و ساختار متن مبدأ را حفظ می‌کند. اما در بسیاری از متون از جمله متون خبری و گزارشی که نویسنده، تنها برای رعایت ایجاز و اختصار از جمله‌های بلند استفاده می‌کند، تقطیع جمله متن مبدأ و تبدیل آن به دو یا سه جمله در زبان مقصد الزامی است. زیرا ترجمه جمله‌های طولانی و پیچیده از روانی و رسایی برخوردار نیست و خواننده در درک مفهوم آنها و مرتبط کردن عناصر جمله به یکدیگر، دچار مشکل می‌شود. به طور کلی، مترجم نباید روانی و رسایی متن ترجمه را قربانی رعایت مرزبندی جملات متن اصلی کند:

۱۱) منذ مطلع العام تضغط الولايات المتحدة على سويسرا واصمة معاهدات جنيف التي تنظم قوانين الحرب للاعتراف دولياً ببنجمة داود شعار الكيان الصهيوني.

الف) از آغاز سال جاری، آمریکا سوئیس را تحت فشار قرار داده تا زمینه رسمیت

بخشیدن به نشان ژیم صهیونیستی یعنی ستاره داود را فراهم کند.

ب) پیمان‌های ژنو که قوانین جنگ را تنظیم می‌کند توسط کشور سوئیس وضع

شده است.

۱۲) فی رسالة وجهها الى سويسرا المكلفة وضع اقتراحات بشأن هذاالشعار، أعلن المجلس الدائم

للدول الأعضاء في الجامعة العربية في جنيف أنه لم يتمّ التوصل الى اجماع في هذا الصدد.
الف) شورای دائمی کشورهای عضو جامعهٔ عرب در ژنو، در نامه‌ای که برای
سوئیس فرستاد، اعلام کرد که در این زمینه هیچ‌گونه توافق قطعی حاصل
نشده‌است.

ب) سوئیس، مسئول بررسی پیشنهادهای مربوط به این نشان است.
البته تغییر ساختار جمله متن اصلی نباید تغییری در معنای آن ایجاد کند. به عبارت دیگر، توالی
منطقی جملات باید حفظ شود. برای مثال به تقطیع این جمله توجه کنید:
انّ التجمع يريد تعديل أجزاء من الدستور بما في ذلك إلغاء قانون الأمن القومي.
الف) این مجمع خواستار آن شد که قانون امنیت ملی لغو گردد.
ب) و بخش‌های دیگری از قانون اساسی نیز تعدیل شود.
مقصود اصلی جمله، تعدیل بخش‌هایی از قانون اساسی است که یکی از موارد آن لغو قانون امنیت
ملی است. اما در ترجمه فوق، لغو قانون امنیت ملی برخلاف منطق جمله، برجسته شده و تعدیل
بخش‌های دیگر قانون اساسی در حاشیه قرار گرفته‌است.

۴. تغییر زمان جمله:

مترجمی که به رموز و سلیقه زبان مادری خود آشنایی کافی دارد، کمتر خود را به ساختارهای،
دستوری زبان مبدأ، محدود می‌سازد و در بسیاری از موارد برای ارائهٔ ترجمه‌ای روان‌تر و طبیعی‌تر،
زمان جمله را با رعایت اصولی خاص، تغییر می‌دهد تا رنگ و بوی زبان مبدأ را از نثر ترجمه‌اش
بزداید. موارد تغییر زمان به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) تغییرات مربوط به ساختار

الف. ۱) تغییر زمان مضارع به ماضی

۱ - پس از حروف نفی «لم و لما»:

(۱۳) لم یرک أحد «کسی تو را ندیده‌است».

۱۴) لَمَّا يَرَاكَ أَحَدٌ «هنوز کسی تو را ندیده است».

۲- پس از «کان»:

۱۵) كَان يَرَاكَ أَحَدٌ «کسی تو را می‌دید».

۳- همراه با ظرف زمان گذشته:

۱۶) فَلَمَّ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ؟ «چرا در گذشته، پیامبران خدا را می‌کشیدید?».

۴- پس از «لو» شرط (غالباً):

۱۷) لَوْ يَنْتَبِهُونَ إِلَى الشَّرْحِ لَأَسْتَفَادُوا «اگر به شرح توجه می‌کردند از آن بهره می‌گرفتند».

الف. ۲) تغییر زمان ماضی به مضارع

۱- پس از ادوات شرط:

۱۸) إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَكْتُبُ رِسَالَةً «اگر خدا بخواهد نامه‌ای می‌نویسیم».

۲- پس از «ما» ی مصدری ظرفی:

۱۹) أَتَعْلَمُ مَادِمْتُ حَتَّى «تا زنده هستم دانش می‌اندوزم».

۳- در مقام دعا یا نفرین:

۲۰) وَمَا لَقَيْتُمْ مَا بَقِيتُمْ ضَرًّا! «تا زمانی که زنده‌اید زبانی نبینید» قَبِّحَ اللَّهُ وَجْهَهُ! «خداوند

روسپاهش کند!».

۴- پس از قسم منفی:

۲۱) وَحَيَاتِي لَا نَكُتُ عَهْدِي «به جانم سوگند که پیمان تو را نخواهم شکست».

ب) تغییرات مربوط به سیاق

برای تعیین زمان جمله: پیروی از زمان جمله متن مبدأ، همیشه کارساز و مناسب نیست. حتی پیروی کامل از ساخت‌های دستوری زبان مبدأ - به ویژه زمان افعال - نه تنها به ساختار زبان فارسی صدمه می‌زند، بلکه موجب فهم نادرست مفهوم می‌شود یا لاقابل نثر ترجمه را غیرطبیعی یا مبهم جلوه می‌دهد. تغییر زمان در سطح ساختار جمله زبان مبدأ - هر چند ضروری است اما - کافی نیست و مترجم گاه باید با توجه به سیاق کلام و در نظر گرفتن عرف اهل زبان مقصد، تغییراتی در زمان افعال

ایجاد کند. سیاق کلام به معنای چگونگی بیان مفهوم موردنظر در موقعیت‌های مختلف با توجه به نوع متن است. این تغییرات، چندان قانونمند و کلیشه‌ای نیستند و در بسیاری از موارد، معیار این تغییرات «ذوق سلیم» است. آشنایی کافی با زبان مقصد از رهگذر مطالعه کتب و مجلات در زمینه موضوعات مختلف و درک رموز و شیوه‌های بیان و نگارش، تنها راه دست‌یابی به ذوق سلیم است. به طور کلی در زمینه تغییر زمان افعال، رعایت دو اصل، الزامی است:

الف) برگرداندن دقیق زمان افعال متن مبدأ، در همه جا ضروری نیست و در مجموع رعایت معنا مهم‌تر از رعایت ساخت دستوری است.

ب) در انتخاب زمان جمله‌های متن ترجمه، آشنا و متداول بودن زمان جمله و قابل فهم بودن آن، ضروری است. به برخی از موارد تغییر زمان فعل با توجه به سیاق کلام، اشاره می‌کنیم:

۱- زمان افعال در جمله پیرو باید با زمان جمله پایه، متناسب و هماهنگ باشد. برای مثال اگر فعل جمله پایه، ماضی و فعل جمله پیرو، مضارع است، زمان جمله پیرو را ماضی استمراری یا ساده یا بعید انتخاب می‌کنیم:

۲۲) رأیت السیارات تمرّ علی البناية.

ماشین‌ها را دیدم که از جلوی ساختمان می‌گذشتند.

۲۳) وقد تداولَ قی هذا الاجتماع الذي ترأسه الجمهورية الإسلامية الإيرانية في قاعة المؤتمرات بمقرّ منظمة المؤتمر الإسلامي في جدة، جدول الأعمال.

«در این نشست که جمهوری اسلامی ایران ریاست آن را به عهده داشت و در سالن کنفرانس‌های سازمان کنفرانس اسلامی شهر جده برگزار شد، دستورکار کنفرانس مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.»

۲۴) بدأ العام الدراسي و ذهب رضا كغيره من الطلاب الى المدرسة و هو يحمل حقيبة المدرسة. «سال تحصیلی آغاز شد و رضا که یکی از دانش‌آموزان بود مانند دیگر دانش‌آموزان به مدرسه رفت.»

۲- در متن‌های گزارشی و داستانی که حوادث گذشته را روایت می‌کند، ماضی ساده می‌تواند به

زمان‌هایی نظیر ماضی استمراری یا نقلی یا بعید دلالت کند:

۲۵) شهدت مصر مواجهات عديدة بين المجموعات المسلحة وقوات الأمن.

«مصر شاهد درگیری‌های متعددی بین گروه‌های مسلح و نیروهای امنیتی بوده‌است.»

۳- در متون تحلیلی که حادثه یا مجموعه‌ای از حوادث را تحلیل می‌کند، اگر حادثه یا رویدادی خاص به فاصله زمانی کوتاهی محدود نمی‌شود، بلکه برهه‌ای از زمان را فرا می‌گیرد و تغییر و تحول آن به زمانی نسبتاً طولانی نیازمند است، فعل ماضی ساده را به ماضی نقلی ترجمه می‌کنیم:

۲۶) الوضع في الشرق الأوسط استحوذ بشكل عام على اهتمامات السياسيين.

«اوضاع خاورمیانه به طور کلی، مورد توجه و عنایت سیاستمداران قرار گرفته‌است.»

۴- در جمله‌هایی که علاوه بر فعل ماضی، قرینه لفظی برانجام شدن فعل در زمان گذشته وجود دارد، ماضی ساده را به ماضی بعید ترجمه می‌کنیم:

۲۷) في وقت سابق أجرى الرئيس السوداني محادثات مع الرئيس الاریتری.

«پیشتر رئیس جمهور سودان گفتگوهایی را با رئیس جمهور اریتره انجام داده‌بود.»

۵- وقتی فعل بر وقوع امری حتمی و تردیدناپذیر، دلالت‌کند، زمان ماضی را به مضارع ترجمه می‌کنیم:

۲۸) و نُفِّخ في الصور.

«آنگاه که در «صور» دمیده‌شود.»

۶- زمانی که جمله، بیانگر قانونی کلی و تغییرناپذیر باشد، زمان ماضی به مضارع تغییر می‌یابد:

۲۹) انَّ اللّٰهَ کان علیماً.

«خداوند داناست.»

منابع مقاله:

۱ - رشید الشرتونی، مبادئ العربية، ج ۴، انتشارات اساطیر ۱۳۷۸.

۲ - فرح زاد، فرزانه، ترجمه پیشرفته، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۳ - مجله‌العالم، ش ۳۴۱، چاپ لندن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی